سویت

بهمن مه‌آبادی

در اواخر قرن هفدهم، سویت[۱]، به مجموعه‌ای کوتاه از کنتراست‌ها (از نظر ریتم و ملودی) که در موسیقی رقص پشت سر هم قرار می‌گرفتند، اطلاق می‌شد؛ نام ایتالیایی سویت، پارتیتا[۲] است، علت کاربرد دو کلمه برای یک فرم موسیقی، نقش دو کشور فرانسه و ایتالیا در دوران‌های مختلف تاریخ موسیقی بوده است؛ زیرا این دو کشور در پرورش و باروری قالب‌های موزیکال و سازهای موسیقی نقش مؤثری داشته‌اند، سویت دارای

موومان‌های متعدد برای رقص است؛ مصنفان سویت در تغییرات ریتمیک آن در صورت نیاز، آزاد بودند، این قطعات معمولاً در یک تونالیته نوشته می‌شدند که گه‌گاه با تغییراتی جزئی به وسیلهٔ مدولاسیون[۳] از ماژور به مینور یا برعکس، حرکت می‌کردند؛ موومان‌های ضروری و اساسی سویت عبارتند از: آلِماند[۴]، کورِنت[۵]، ساراباند[۶]

---

۱ Suite

۲ Partita

۳ Modulation

۴ Allemande

۵ Courante

۶ Sarabande

www.soroushadi.com بهمن مه‌آبادی

و ژیک[۷]، البته گاهی رقص‌های دیگری نیز به این جمع می‌پیوست؛ باخ[۸] از چنین الگویی در تمام سویت‌هایش برای ارکستر و سُلو استفاده کرده است.

آلِماند وجه اشتراکی جزئی با رقصی به نام آلمان[۹] داشته است، آلِماند با حالتی آهسته، زیبا و باوقار در یک $\frac{4}{4}$ میانه و معتدل، معمولاً با یک ضربهٔ کوتاه آغاز می‌شد و با نت‌هایی با آرایه و تزئین، شبیه به گزارشی مختصر از گام‌ها و آرپژها اجرا می‌گردید.

دو نوع کورِنت وجود داشت، کورِنت فرانسوی و کورِنت ایتالیایی، کورِنت ایتالیایی در میزان سریع $\frac{3}{8}$ یا $\frac{3}{4}$ با حالتی جاری و متصل اجرا می‌شد و کورِنت فرانسوی در حالتی نسبتاً آرام با ضربی بین $\frac{3}{2}$ و $\frac{6}{4}$ با وقاری خاص به اجرا درمی‌آمد.

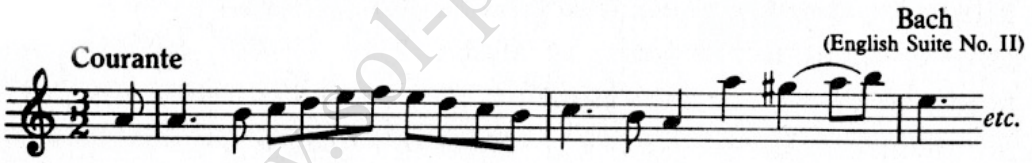

سارابانْد از آهسته‌ترین رقص‌های قرن هفدهم به شمار می‌آمد، در دومین ضربهٔ این رقص نوعی کشیدگی وجود داشت که نشان ویژهٔ سارابانْد بود.

---

[۷] Gigue

[۸] Johann Sebastian Bach

[۹] Alman

Rahman Mehbadi بهمن مهبادی www.ol-philharmonic.com

ساراباند معمولاً با برگشتی از میانهٔ قطعه نواخته می‌شد، آرایش‌ها و تزئینات استادانه در ساراباند در تکرارها و گفتگوها کاملاً هویداست؛ نوازندگان قرن هجدهم، آرایش‌ها و تزئین‌های این قطعه را به طور فی‌البداهه می‌نواختند؛ باخ یکی از نخستین مصنفانی بود که این آرایه‌ها و زیورها را برای اولین بار نوشت، این اقدامی بسیار سنجیده بود و در آثار او کاملاً منطقی و اصولی به نظر می‌رسید، اما مسألهٔ عمده پیچیدگی و بغرنج بودن این قطعات برای نوازنده بود.

ژیک از جیک[۱۰]، رقص تند انگلیسی به وجود آمد، ترکیب ریتمیک ژیک نیز تند و سریع است؛ ژیک اغلب حالتی جهنده داشت که به قدم‌های پرقدرت رقصندگان مربوط می‌شد.

ژیک، اغلب آخرین رقص سویت به شمار می‌آمد، اما گاهی برای موومان‌های اضافی که تا دوازده موومان نیز قابل گسترش بود، رقص‌های دیگری مثل بوره[۱۱]، گاوُت[۱۲] و منوئِت[۱۳] در نظر گرفته می‌شد که بین ساراباند و ژیک جای می‌گرفت؛ یک بوره به وسیلهٔ بوره دوم تکمیل می‌شد، در تونیک ماژور یا مینور با یک داکاپو[۱۴] به اول.

---

۱۰ Jig

۱۱ Bourree

۱۲ Gavotte

۱۳ Minuet

۱۴ Dacapo

Bahman Mohabadi - www.sol-philharmonic.com

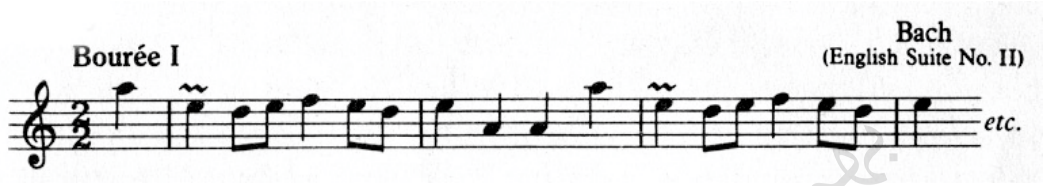

گاوُت با ریتم نسبتاً سریع $\frac{2}{2}$ تصنیف می‌گردید، این قطعه از نیمهٔ میزان آغاز می‌شد

در گاوت شمارهٔ ۲، حالت مخصوصی که به قسمتی از یک رقص روستایی به نام مُوزِت[۱۵] مربوط می‌شد، ملاحظه می‌شود؛ مُوزِت یکی از نی‌انبان‌های فرانسوی قرن هفدهم بود، به همین دلیل نیز در موسیقی با کشیدگی نت باس، به گونه‌ای تقلید صدایِ بَمِ نی‌انبان بود.

رقص منوئت در ابتدا به فرم منوئت‌های هنری پرسل[۱۶](۱۶۹۵-۱۷۵۹) وفادار بود، ولی از زمانی‌که به عنوان یک رقص با شکوه به رسمیت شناخته شد، یک قسمت تندتری نیز به آن افزوده شد که در اوایل به منوئت دوم مشهور بود، این دومین منوئت برای سه نوازندهٔ ساز سُلو تصنیف می‌شد و اگر در یک سویت برای هارپسیکورد[۱۷] نوشته شده بود، به طریقهٔ سه صدایی با یک داکاپو به اجرا درمی‌آمد، منوئت دوم در آغاز، منوئت تریو[۱۸] نامیده می‌شد که خیلی زود به "تریو" شهرت یافت.

Bahman Mehabadi - بهمن مهابادی
www.sol-philharmonic.com

---

[۱۵] Musette

[۱۶] Henry Purcele

[۱۷] Harpsichord

[۱۸] Minuet Trio

در هر موومان از یک سویت معمولاً یک جفت میزان نصنیف شده، در اول و آخر، و یک مدولاسیون به دومینات[۱۹] که پایدار بود و به مُد گردی‌های گذرا شباهت نداشت، وجود دارد؛ این موومان‌ها در تکرار به تونیک مراجعت کرده و به این ترتیب نیمهٔ اول میزانِ ناقصِ سرآغاز را در پایان تکمیل می‌کردند؛ تونالیته می‌توانست در موومان‌های مختلفِ یک سویت تغییر کند، اما در کادانس[۲۰] به تونیک باز می‌گشت؛ بعضی از موومان‌های سویت، دوبخشی هستند که خود به خود "فرم بینر[۲۱]" را تداعی می‌کنند، برخی دیگر دو قسمت مساوی و همانند در "A" و "C" و یک قسمت وسط بعنوان کنتراست در "B" دارند که القاکنندهٔ فرم تِرنر[۲۲] هستند.

یوهان سباستین باخ

تعدادی از سویت‌های ارکسترال باخ با عنوان اورتور[۲۳]ها مشهور شده‌اند، البته کلمهٔ اورتور نباید با آنچه که امروز به آثاری در این قالب گفته می‌شود، اشتباه گرفته شود؛ اوروتورهای باخ که نخستین موومان‌های سویت بودند و اغلب طبق فرم اورتورِ اپرایِ فرانسویِ قرن هفدهم تصنیف می‌شدند، به این نام مرسوم‌اند؛ این اورتورها با مقدمه‌ای بسیار باشکوه و پرعظمت در ریتمی مُقَطّع عرضه شده‌اند، در آن دوره نام اورتور اسمی در خور و لایق برای موومان‌های آغازین به شمار می‌رفت و در مورد ساز

سُلو به همان اندازهٔ کارهای ارکستری مقبول بود؛ در اصل اورتورِ آن زمان یک پرلود[۲۴] بود که قبل از همهٔ موومان‌ها نواخته می‌شد.

---

[۱۹] Dominant

[۲۰] Cadence

[۲۱] Binary form

[۲۲] Ternary

[۲۳] Overture

[۲۴] Prelude

www.sol-philharmonic.com

باخ بزرگ همچنین از نام سنفونیا[۲۵] در آثار موسیقی ارکستری و قطعات برای هارپسیکورد نیز سود جسته است که یک شباهت اسمی بیش نیست و با آنچه امروزه سمفونی[۲۶] نام دارد بی‌ارتباط است.

پارتیتاها و سویت‌های باخ برای ویلن و ویلنسلِ تنها و بدون همراهی، کارهای ویرتوزیته[۲۷] اند که اجرا کنندگان همزمان با انتقال ملودی، هارمونی آن را نیز منتقل می‌کنند؛ پایه و شالودهٔ اصلی هارمونی باخ، شفافیت موسیقی او و قابل شناسایی بودن آن توسط آکوردهایش با توجه به وضع تکنیکی ساز و قابلیت اجراییِ آنهاست؛ در نمونهٔ زیر "فیگور"های بسیار استادانهٔ او را می‌بینیم که از نظر هارمونی نیز هیچ اشکالی ندارند.

به هر حال، اگر ما سه نت اولیهٔ هر میزان را به شکل آکوردی، به آرامی و آهستگی در خور اجرا کنیم، در می‌یابیم که موسیقی باخ، با وجود پیچیدگی به سادگی یک آکورد است.

Bahman Mohammadi - بهمن محمدی
www.sol-philharmonic.com

[۲۵] Sinfonia

[۲۶] Symphony

[۲۷] Virtuese